



۲۰۱۸/۰۴/۲۵



شریف حکیم

## اژدها

شهری به خواب رفته و بیدار اژدهاست  
در دست بهر کشتن ما ، نامه از خداست  
این اژدها به شهر و همه شهر در هراس  
زنگِ خطر به هر خم هر کوچه در صداست  
این اژدها به شهر من و تو غریبه نیست  
از دورهای دور، به این خانه آشناست



این اژدها به جنگل و دشت و به کوه نیست  
این اژدها نشسته به هر کنج ذهن ماست  
این اژدها به بند کشیدست، فکر و عقل  
زولانه به گردن و بندی به دست و پاست  
این اژدها ، ز مرگ تفکر نفس کشد  
اندیشه راست دشمن و ، همدست با دعاست

این اژدها که مظهر ویرانی است و خون  
هرجا خرابه ایست، نشانی از او بجاست  
این اژدها که زشت و شرور و درنده خوست  
مضمون قتل و غارت و تصویر ماجراست  
این اژدها که ابر سیه بود، کاشکی  
دانسته بود کس، که چه سیلاب در قفاست

شریف حکیم  
اپریل ۲۰۱۸ سdney

